

بنام خداوند همه مهر مهر ورز

درس اول: (ابلاغ ولایت، تمام رسالت)

شروع بحث

با استعانت از خداوند متعال و به مدد توفیقات الهی و عنایات خاصه حضرت امیرالمؤمنین، علیه السلام، و کسب اجازه و توشیح ملوکانه‌ی امام زمان، بقیه الله، ارواحنا فداه، بحث‌هایی درباره‌ی موضوعات امامت و امام، ولایت و ولی، خلافت و خلیفه و وصایت و وصی در **خطابه‌ی غدیر** ارائه خواهیم کرد و باذن الله نکته‌هایی پیرامون این چهار موضوع، که اصل ثقل **خطابه‌ی غدیر** هستند طرح خواهیم نمود.

در بخش دوم **خطابه‌ی غدیر** پیامبر، صلی الله علیه و آله، می‌فرماید:

وَ أَقِرُّ لَهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَ أَشْهَدُ لَهُ بِالرَّبُوبِيَّةِ، وَ أُوَدِّي مَا أَوْحَى بِهِ إِلَيَّ حَذْرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ فَتَجَلَّ بِى مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ وَ إِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ وَ صَفَتْ خُلَّتُهُ، لِإِلَهِ الْإِلَهِو، لِأَنَّهُ قَدْ أَعْلَمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ (فِي حَقِّ عَلِيٍّ) فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ، وَ قَدْ صَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْعِصْمَةَ (مِنَ النَّاسِ) وَ هُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ. فَأَوْحَى إِلَيَّ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ (فِي عَلِيٍّ)، يَعْني فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِيٍّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ) وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»

نیست معبودی جز او که دستورم داده و اعلام کرده که اگر در ابلاغ آن چه اینک بر تو فرو فرستاده‌ام کوتاهی کنی درحقیقت به هیچیک از وظایف رسالت و ابلاغ من عمل نکرده‌ای. و هم‌او، تبارک و تعالی، حفظ و نگه‌داری مرا در برابر مخالفان تعهد و تضمین کرده و او مرا کفایت‌کننده‌ای بزرگوار است. و اینک این است آن پیام که بر من نازل فرموده:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ (فِي عَلِيٍّ) وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَكَ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ.

شروع **خطابه** با جملات سخت تحذیری:

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بعد از اقرار به عبودیت خودشان و ربوبیت خداوند می‌فرمایند که من آن چه را که خدا به من وحی کرده است ادا می‌کنم و می‌ترسم از این که اگر چونین نکنم عذاب‌هایی بر من نازل بشود که کسی را توانایی دفع آن بلاها از من نباشد؛ گرچه اندیشه و مکر و حيله‌ی او بزرگ و دوستی‌اش با من زیاد باشد.

ابتدای اعلام امر ولایت در **خطبه‌ی غدیر** با یکسری جملات سخت و تحذیری انجام شده است. تحذیری؛ حتا برای خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.

چون می‌فرمایند: **وَ أُودِي مَا أُوحِيَ بِهِ إِلَىٰ حَدْرًا مِنْ أَنْ لَا فَعَلَ فَتَجَلَّ بِى مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ ...** از همان اول اش تحذیری و سخت صحبت می‌کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند که من باید این وظیفه را انجام بدهم چون اگر این‌چنین نکنم ممکن است بلایی بر من وارد شود که کسی یارای مخالفت و مقابله با آن بلیت را نداشته باشد، اگرچه حيله و مکر او بزرگ و دوستی او با من زلال باشد. بعد می‌فرمایند: **لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ**، یعنی مولا و فرمانده و خدا فقط اوست و غیر او نیست. یعنی این که هیچ‌کس نمی‌تواند در مقابل هو که مُستثنا از تمام خدایان است و هم‌اوست که خدای حقیقی است تاب دفاع بیاورد.

امر به ابلاغ رسالت از طرف خداوند متعال:

بعد حضرت صلی الله علیه و آله اعلام می‌کنند که خدا به من گفته است **أَنِّي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ (فِي حَقِّي عَلَى) فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ**: اگر آن‌چه را که خدا در حق علی بر من نازل کرده است ابلاغ نکنم رسالت او را تبلیغ نکرده‌ام. یعنی به فرض عدم ابلاغ امر خداوند تمام رسالت من زیر سؤال می‌رود. پس حضرت از همان ابتدا به‌طور قاطع، تحذیری و سخت این مسأله را اعلام می‌کنند. از منظر روانی هم جالب توجه است این که اول اعلام می‌کنند ایشان بنده‌ی خدا هستند و خدا هم رب و پروردگار ایشان است.

بعد این تحذیر و سختی می‌فرمایند که **وَ قَدْ ضَمِنَ لِي، تَبَارَكَ وَتَعَالَى، الْعِصْمَةَ مِنَ النَّاسِ وَ هُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ**. خداوند هم ضامن شده است تا من را از شر مردم و آزار ایشان حفظ بکند. البته که خداوند کافی، کریم، بزرگوار و بخشنده است. و بعد حضرت صلی الله علیه و آله آیه‌ی **تَبْلِيغ**، یعنی آیه‌ی ۶۷ سوره‌ی مائده را تلاوت می‌کنند. در ضمن آیه تفسیرش را هم می‌فرمایند و جالب است که آیه را با **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** شروع می‌کنند.

از بین آیاتی که در **خطابه‌ی غدیر** ذکر شده‌اند فقط سه آیه با **بِسْمِ اللَّهِ** آغاز شده‌اند که این آیه اولین آنها است. آیه‌ی دوم در سوره‌ی حمد است که در بخش هفتم آمده و سومی در سوره‌ی عصر. این مسأله نکته دارد و نکته‌اش هم اهمیت آغاز و محتوا و گفتار این آیه است. حضرت رسول صلی الله علیه و آله تفسیر این آیه را در دو کلمه می‌فرمایند: **يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ. أَنْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ** چی ست؟ فی علی، یعنی **فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِي ابْنِ أَبِي طَالِبٍ**.

درباره‌ی علی است؛ یعنی خلافت و جانشینی علی ابن ابی‌طالب.

وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ. مبحث امامت را در بخش دوم بعد از اقرار به عبودیت خودشان و ربوبیت خداوند با یک جمله‌ی تحذیری که من از خدا می‌ترسم و خدا من را برحذر داشته است شروع می‌کنند و اولین مرتبه

آیهی ابلاغ را که همانا اعلان آن مأموریت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده می خوانند و آن را به امیرالمؤمنین، علی ابن ابی طالب علیه السلام و خلافت ایشان تفسیر می کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر این آیه راجع به امیرالمؤمنین علیه السلام توأمان دو کار انجام می دهند: یکی آن که آیه را عملاً تفسیر می کنند و دیگر این که به لحاظ تئوری می خواهند بفرمایند تفسیر و تأویل آیات قرآن با من است. یعنی هم به طور نظری می فرمایند حق تفسیر آیات با ما است و هم به صورت عملی؛ در آن جا که می فرمایند **عِنْدِي الْخِلَافَةُ لِعَلِيِّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ** آیه را تفسیر می کنند و می فرمایند که تفسیر آیه با من است.

بعد از این که به شکل تحذیری و بسیار به دقت و محکم بیان می کنند که این کار را حتماً من باید انجام بدهم می فرمایند البته خداوند مرا تضمین کرده است و فرموده که **وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ**. یعنی خدا تو را از شر مردم نگاه می دارد؛ تو ترسان نباش. در ادامه ی بخش دوم آمده است:

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا قَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ، وَ أَنَا أُبَيِّنُ لَكُمْ سَبَبَ هَذِهِ الْآيَةِ: إِنَّ جِبْرِيْلَ هَبَطَ إِلَيَّ مِرَاراً ثَلَاثاً يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي، وَ هُوَ السَّلَامُ، أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأُعْلِمَ كُلَّ أَبِيصٍّ وَ أَسْوَدَ: أَنَّ عَلِيَّ ابْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيَّ وَ خَلِيْفَتِي (عَلَى أُمَّتِي) وَ الْإِمَامَ مِنْ بَعْدِي، الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَ هُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَ رَسُوْلِهِ، وَ قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ (هِيَ): «إِنَّمَا وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَ رَسُوْلُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيْمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»، وَ عَلِيُّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ هُوَ رَاكِعٌ يَرِيْدُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ.

ای مردم! من در ابلاغ آنچه که حق بر من فرو فرستاده است کوتاهی نکرده ام و هم اکنون سبب نزول آن آیه را برای تان باز خواهم گفت: فرشته ی وحی خدا، جبرئیل، سه بار بر من فرود آمده و از سوی حق تعالی، پروردگارم، فرمان داد تا در این مکان به پا خیزم و سپید و سیاه مردم را رسماً آگاهی دهم که علی ابن ابی طالب برادر و وصی و جانشین من و امام پس از من است که نسبت اش به من همان نسبت است که هارون به موسی داشت با این تفاوت که رسالت به من خاتمه یافته است و بعد از خداوند و رسول اش علی ولی و صاحب اختیار شما است و پیش از این هم خداوند در این مورد آیه ای دیگر از قرآن را نازل فرموده: **إِنَّمَا وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَ رَسُوْلُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيْمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ**. علی ابن ابی طالب همان کسی است که نماز به پای داشت و در حال رکوع به نیازمند صدقه داده است و او در همه حال رضای خدا را می جوید.

کوتاهی نکردن در تبلیغ:

و می فرمایند: **مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا قَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ**. من آنچه را که خداوند متعال به من امر فرموده انجام داده ام و در آن فرو نگذاشته ام و کاستی نکرده ام. چرا حضرت صلی الله علیه و آله به مردم می فرمایند کوتاهی نکرده ام؟

می‌خواهند به آن‌ها تأکید کنند که اگر شما وظیفه‌ی **تبلیغ** دارید باید وظیفه‌تان را انجام بدهید و کوتاهی نکنید! من که رهبر و پیغمبر شما هستم و کوتاهی نکرده‌ام از عذاب خدا می‌ترسم، تا چه برسد به شما که باید بیش‌تر از عذاب خداوند بهراسید. در این‌جا حضرت صلی الله علیه و آله در توضیح این آیه) **یا ایها الرسول...** می‌فرمایند که جبرئیل سه بار بر من حبوط کرده و مرا از طرف خدای السَّلام: **وَ هُوَ السَّلامُ** به انجام این ماموریت و اعلان این رسالت امر کرده است. نام السَّلام این‌جا دلیل دارد که به کار گرفته شده است. به‌خاطر آن است که هرکدام از اسم‌های خداوند متعال خواص و اثر متفاوتی دارد و **السَّلام** نامی است که انسان و تمام موجودات مخاطب را در سلم و آرامش و رفاه قرار می‌دهد.

پس **هُوَ السَّلامُ**: خدا سلام است؛ یعنی سلام مطلق خدا است.

این‌که ما هم در آداب دینی‌مان داریم که وقتی انسان‌ها به هم دیگر می‌رسند سلام می‌کنند یعنی درواقع اسم سلم و آرامش خدا را می‌برند.

سلامٌ علیک یا سلامٌ علیکم یعنی سلم و آرامش و رفاه از جانب من بر شما باد. یعنی خطری از جانب من شما را تهدید نمی‌کند. معنی سلام‌دادنی که در اجتماع معمول هست هم همین‌ست. **السلام علیک یا اباعبدالله** یعنی ای **اباعبدالله**، شما از جانب من در رفاه و آسایش هستید و ضرری از طرف من به شما نمی‌رسد.

یک معنای سلام این است و معنای دیگر آن‌که از طرف خدا سلم و آسایش و آرامش و رفاه بر شما باشد. این‌جا حضرت صلی الله علیه و آله هم اسم سلام خدا را می‌آورند و هم می‌فرمایند **هُوَ السَّلامُ**: سلام و سلم مطلق از خدا است.

ما انسان‌ها از جانب خداوند در سلم، آسایش و آرامش هستیم و اگر گاهی ضرری به ما می‌رسد در نتیجه‌ی اعمال خودمان است. جبرئیل از طرف خداوند سلام بر من نازل شده و گفته تا این‌جا بایستم و به همه، سفید و سیاه، اعلام بکنم: **یا ایها الرُّسُولُ بَلِّغْ ما أَنْزَلَ إِلَیکَ مِنْ رَبِّکَ فی عَلی، یعنی فی الخِلافةِ لِعلی ابنِ اَبی طالب**. اعلامی درباره‌ی خلافت حضرت علی علیه السلام.

معرفی اجزای خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام:

اجزای خلافت امیرالمؤمنین، علیه‌السلام، صفاتی است که پیامبر، صلی الله علیه و آله، در جملات بعدی فرموده‌اند: **أَنَّ عَلِیَ ابنَ اَبی طالبٍ أَخِی وَ وَصِیِّ وَ خَلِیْفَتِی عَلِی أُمَّتِی وَ الْإِمامُ مِنْ بَعْدِی**. علی ابن ابی‌طالب برادر من است. چرا رسول اکرم صلی الله علیه و آله از امیرالمؤمنین به‌عنوان برادر نام می‌برند؟ دلیل‌اش آن است که برادری به‌معنای مساوات، هم‌سطحی، هم‌فکری، هم‌کاری و مانند هم میراث‌بُردن است. وقتی کسی را برادر خطاب می‌کنیم معنایش این است که ما یک پدر و یک مادر داریم؛ سرچشمه‌ی ما یکی است، منشأ ما یکی است. گویا که قد و قواره و اندازه‌ی ما هم یکی است. وقتی کسی با کسی صیغه‌ی برادری می‌بندد (که این امر از قدیم در ابنای بشر فرهنگ بوده است) یا مؤاخات می‌کند (که یعنی برادری دوطرفه)

می خواهد بگوید که من نسبت به تو در هر سنی که هستم و تو نسبت به من در هر سنی که هستی با هم برابر رفتار می کنیم و مواسات می کنیم؛ هم من نسبت به شما و هم شما نسبت به من.

در چند جای **خطبه ی غدیر** واژه ی اخ، اخی و اخو آورده شده و این جا هم اولین اعلام همراه با وصف اخوت آمده است. چرا؟ برای این که طبیعی ترین نسبت بین دو نفر که مساوات و مواسات داشته باشند اخوت و برادری است. لذا در این جا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هم اولین واژه های که به کار می برند اخوت است: **أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي** و این امری طبیعی است. چون وقتی می گویند کسی برادر من است بقیه ی آثار بر آن مترتب می شود و دیگر جای هیچ سؤالی نمی ماند.

خیلی از سؤالات با این که بگوییم «برادرم است» جواب داده می شود. چرا به او این قدر ثروت دادی؟ «برادرم است». چرا این طور با او رفتار کردی؟ «برادرم است». چرا این جور با شما زندگی می کند؟ «برادرم است». چرا او نسبت به تو این قدر نزدیک است؟ ایشان «برادر من است». وقتی به کسی برادر بگویند خیلی از سؤالات درباره ی چگونگی رابطه ی شما با آن کس حل می شود. حتی در جوامع امروزی و در فرهنگ های مختلف برادری مجازی و صیغه ی برادری یعنی تعهد برادری. این مسأله بسیاری از سؤالات را جواب می دهد و آثار برادری را بر افراد مترتب می کند.

لذا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله این جا از واژه ی اخی: «برادرم» به عنوان اولین صفت برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام استفاده کرده اند؛ گویی که پدر و مادر ما یکی است و تمام حقوق ما مساوی است. و این همه برای آن که دو برادر به یک اندازه از پدر و مادر ارث می برند و در جنبه های حقوقی و مالی تفاوتی با هم ندارند. حتی اگر یک برادر یک ساله باشد و دیگری چهل یا پنجاه سال سن داشته باشد این دو حقوق و ارث شان برابر است.

ممکن است که کارآمدی آنها متفاوت باشد ولی ارثی که از پدر و مادر می برند یکسان است. لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند که باید اعلام بکنند علی ابن ابی طالب برادر ایشان است و وصی شان است. وصی هم بعد از برادر نزدیک ترین نسبت طبیعی است به هر کس. برای این که وصی کسی است که بعد از مُردن یک شخص حقوق او را پی گیری می کند و فرجام کارهای نیمه تمام شخص فوت شده برعهده ی اوست.

خلاصه درس اول:

۱. بحث امامت در **خطابه**، با تحذیرهای بسیار سخت و جدی خداوند به پیامبر آغاز می شود. بخش با اعتراف به بندگی خداوند آغاز و با تأکید بر این که خدایی جز خدای یگانه نیست (**لا اله الا هو**) پایان می یابد.
۲. پیامبر ابلاغ آنچه را خداوند در حق امیرمؤمنان به پیامبر نازل کرده است را هم سنگ با کل ابلاغ رسالت می خوانند و می فرمایند اگر آن را ابلاغ نکنم مانند این است که رسالت خدا را ابلاغ نکرده ام!

۳. سپس می‌فرمایند خداوند ضامن شده مرا از شر و آسیب شما حفظ کند.

۴. آیه‌ی ابلاغ از سوره مائده را همراه با **بسم الله** می‌خوانند و هم‌زمان تفسیر آن‌را نیز بیان می‌فرمایند.

۵. در ادامه می‌فرمایند من [که پیامبر خداوند در میان شما هستم] در ابلاغ این پیام قصور و کوتاهی نکرده‌ام. با این کار هم

حجت بر ما تمام می‌شود هم متذکر می‌شویم به ضرورت ابلاغ این پیام

۶. جبرئیل از سوی خداوند سلام (که نشان‌گر این است که سلم و آرامش و آسایش از جانب خداست) سه بار بر من نازل شد تا

به همگان (سفید و سیاه) خلافت علی علیه‌السلام را ابلاغ کنم.

۷. سپس پیامبر صفات امیرمؤمنان علیه‌السلام را برمی‌شمارند. در اولین گام ایشان را برادر خود می‌خوانند (که نزدیک‌ترین

فرد به انسان است) و سپس او را وصی خود می‌خوانند.